

رابطه ویژگی های شخصیتی و سازگاری زناشویی

نویسندگان: محمد رضا نائینیان، عضو هیات علمی دانشگاه شاهد، دکترای علوم اعصاب شناختی، مربی، mnainian@yahoo.com

لیلا سادات فاطمی، دانشجوی روان شناسی دانشگاه شاهد

*فهیمة مقصودی گودرزی، دانشجوی روان شناسی دانشگاه شاهد

زهره سادات میری، دانشجوی روان شناسی دانشگاه شاهد

1- مقدمه

تحقیقات مربوط به ازدواج نشان داده اند که به لحاظ رضایت مندی از ازدواج و الگوهای تعامل، بین زوجین تفاوت های پایدار وجود دارد. حجم زیادی از تحقیقات که تفاوت های فردی را در روابط زناشویی مورد ملاحظه قرار داده اند بر شخصیت و مزاج تمرکز داشته اند؛ و این امر خیلی دور از ذهن نیست، زیرا شخصیت می تواند اثرات ثابت و طولانی مدتی بر الگوهای رفتاری و تعاملات بین فردی داشته باشد. کاسپی (1987) نشان داد که چگونه مزاج دوران کودکی در ابتدای زندگی با روابط زناشویی در مراحل بعدی زندگی ارتباط دارد. مردانی که شخصیت های تحت کنترل و انفجاری داشتند و با کج خلقی های دوران کودکی مشخص می شدند، در مقایسه با آنهایی که کج خلقی نداشتند، بیشتر احتمال داشت که در سن 40 سالگی طلاق را تجربه کنند. در حالی که زنانی که همین نوع شخصیت را داشتند و با کج خلقی دوران کودکی مشخص می شدند، احتمال بیشتری داشت با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت پائینی برخوردار بوده و احتمال مطلقه بودنشان بیشتر بود.

شخصیت همچنین بر جریان ازدواج نیز تاثیر می گذارد. در یک مطالعه مربوط به پایداری زندگی زناشویی که بیش از 40 سال ادامه یافت و نخست در جریان دوره نامزدی با زوجین مصاحبه انجام شد، نتایج به دست آمده دلالت بر آن داشت که صفات شخصیتی می توانند رضایت مندی زناشویی را در آینده پیش بینی کنند. تکانش گری شوهران و نوروزگرایی شوهر و زن هر دو با پیامد های زناشویی منفی ارتباط داشت. نوروزگرایی زن و شوهر با طلاق و نیز ازدواج پایدار اما غیر رضایت بخش ارتباط داشت (کلی و کنلی، 1987).

در میان متغیرهای شخصیتی اندازه گیری شده به منظور تبیین و پیش بینی کیفیت و ثبات روابط زوجین، درونگرایی-برونگرایی و نوروزگرایی بیشتر برجسته اند، در حالی که مطالعه درون گرایی و برون گرایی در پیش بینی کیفیت و ثبات ازدواج نتایج آمیخته ای داشته اند (بنتلر و نیوکامب، 1978، نیمچک، و السون، 1996) نتایج همسان در زمینه ثبات و عدم ثبات هیجانی، یعنی نوروزگرایی به عنوان عوامل پیش بینی کننده کیفیت روابط بین زوجین به دست آمده است (کلی و کانلی، 1987؛ کوردک، 1998). علاوه بر آن برخی شواهد دلالت بر آن دارند که نوروزگرایی دارای مولفه ژنتیکی قوی بوده و خطر طلاق را در زوجین افزایش می دهد (جوکین، مکگم و لیکن، 1996).

زوینسکی (1980) دریافت که نمرات پایین تر نوروزگرایی شوهران و زنان به عنوان یک گروه با رضایت مندی بیشتر بین زوجین ارتباط داشت. در مطالعه لستر، هیگ و مونلو (1989) نیز نمرات پایین تر نوروزگرایی هر یک از زوجین با رضایت مندی بیشتر همراه بود. علاوه بر این، آنها نمرات پایین تر برون گرایی را در هریک از زوجین با رضایت مندی بیشتر بین زوجین مرتبط دیدند. همچنین عدم رضایت مندی بین زوجین با درونگرا بودن یکی از زوجین و برونگرا بودن همسر مرتبط دانسته شده است. با توجه به همخوانی مطالعات انجام شده در این زمینه، چنانچه تاثیر پایدار ویژگی های شخصیتی بر سطح سازگاری زوجین در مطالعات بومی نیز تأیید گردد، توجه به یافته های پژوهشی مرتبط و مدیریت کاربردی آنها می تواند در اعتلای سطح رضایت مندی زوجین و تحکیم نظام خانواده موثر افتد. با عنایت به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر با هدف بررسی اعتبار یافته های مطالعات پیشین در خانواده های ایرانی که زوجین هر دو یا حداقل یکی از آنها دانشجو هستند انجام شده است.

2- روش

2-1 - جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر در برگیرنده تمامی افراد متاهل ساکن در خوابگاه های متاهلی دانشگاه های شاهد و تهران بودند که زوجین هر دو نفر یا حداقل یکی از آنها دانشجو بودند.

2-2 - نمونه پژوهش

نمونه مورد مطالعه را 152 زوج از جمعیت فوق الذکر تشکیل می داد که به روش در دسترس انتخاب شدند.

2-3 - طرح پژوهش

مبنتی بر هدف تحقیق که مشخص نمودن رابطه ویژگی های شخصیتی و سازگاری زناشویی بوده است، پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. به همین منظور 152 نفر از افراد متاهل ساکن در خوابگاه های متاهلی دانشگاه های شاهد و تهران که زوجین یا حداقل یکی از آنها دانشجو بوده و آمادگی شرکت در این مطالعه را داشتند به شیوه در دسترس انتخاب شده و پس از آشنایی با هدف پژوهش و نحوه پاسخگویی به سوالات، پرسشنامه های پژوهش در اختیار آنان قرار گرفت. پرسشنامه های تکمیل شده یک روز بعد با مراجعه حضوری مجدد پژوهشگر به خوابگاه های مربوطه جمع آوری گردید.

2-4 - ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر، از پرسشنامه شخصیتی تجدید نظر شده آیزنک-فرم کوتاه و پرسشنامه سازگاری زناشویی انریچ استفاده شد.

2-4-1 - پرسشنامه شخصیتی تجدید نظر شده آیزنک-فرم کوتاه (EPQ-RS)

پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیتی آیزنک - فرم کوتاه (EPQ-RS)، یک پرسشنامه خودسنجی 48 سوالی است که برای سنجش ابعاد نوروزگرایی (N)، برونگرایی (E)، و سایکوزگرایی (P) به کار می رود. علاوه بر این، پرسشنامه یک مقیاس دروغ سنج (L) را نیز شامل می شود. EPQ-RS آخرین پرسشنامه آیزنک برای استفاده در بین بزرگسالان است و هر یک از چهار مقیاس آن دارای 12 سوال می باشد. پایایی پرسشنامه برای مردان و زنان 0/84 و 0/80 برای مقیاس نوروزگرایی، 0/88 و 0/84 برای برونگرایی، 0/62 و 0/61 برای سایکوزگرایی، 0/77 و 0/73 برای دروغ سنجی گزارش شده است (بخشی پور و باقریان، 1385).

2-4-2 - پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ

فرم اصلی پرسشنامه انریچ از 115 سوال و فرم کوتاه آن از 47 سوال تشکیل شده که 12 مقوله مربوط به رضایت زناشویی را می سنجد. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه 47 سوالی پرسشنامه استفاده شده است. اولسون و دیگران اعتبار این پرسشنامه را 0/92 گزارش کرده اند. ضریب اعتبار پرسشنامه در جمعیت ایرانی 0/95 گزارش شده است (سلیمانیان، 1373)

3- یافته ها

ضرایب همبستگی نمرات زنان و شوهران مورد مطالعه به عنوان یک گروه و گروه های مجزا در ویژگی های شخصیتی و سازگاری زناشویی در جداول 1، 2 و 3 ارائه شده است.

جدول 1. ضرایب همبستگی ویژگی های شخصیتی و سازگاری زناشویی

در زنان و شوهران مورد مطالعه به عنوان یک گروه

متغیر	نوروزگرایی	سایکوزگرایی	برون گرایی
سازگاری زناشویی	-0/42	-0/24	0/28
	0/000	0/003	0/001
	152	152	152

جدول 2. ضرایب همبستگی ویژگی های شخصیتی و سازگاری زناشویی در زنان مورد مطالعه

متغیر	نوروزگرایی	سایکوزگرایی	برون گرایی
سازگاری زناشویی	-0/44	-0/12	0/15
	0/000	0/32	0/21
	75	75	75

جدول 3. ضرایب همبستگی ویژگی های شخصیتی و سازگاری زناشویی در شوهران مورد مطالعه

متغیر	نوروزگرایی	سایکوزگرایی	برون گرایی
سازگاری زناشویی	-0/43	-0/34	0/37
	0/000	0/002	0/001
	77	77	77

مقایسه میانگین نمرات زوجین دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی در متغیر های مورد مطالعه با استفاده از آزمون t برای گروه های مستقل نشان داد:

1. بین ویژگی شخصیتی نوروزگرایی زوجین دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = 4/80$, $df = 150$, $\alpha = 0/000$) وجود دارد. بر اساس مطالعه حاضر زوجین دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با زوجین دارای سازگاری زناشویی دارای ویژگی نوروزگرایی بیشتری هستند.

2. بین ویژگی شخصیتی سایکوزگرایی زوجین دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = 2/65$, $df = 150$, $\alpha = 0/009$) وجود دارد. بر اساس مطالعه حاضر زوجین دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با زوجین دارای سازگاری زناشویی دارای ویژگی سایکوزگرایی بیشتری هستند.

3. بین ویژگی شخصیتی برونگرایی زنان دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = -4/25$, $df = 150$, $\alpha = 0/000$) وجود دارد. بر اساس مطالعه حاضر زوجین دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با زوجین دارای سازگاری زناشویی دارای ویژگی برونگرایی کمتری هستند.
4. بین ویژگی شخصیتی نوروگرایی زنان دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = 2/15$, $df = 73$, $\alpha = 0/04$) وجود دارد. بر اساس مطالعه حاضر زنان دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با زنان دارای سازگاری زناشویی دارای ویژگی نوروگرایی بیشتری هستند.
5. بین ویژگی شخصیتی سایکوزگرایی زنان دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = 0/74$, $df = 73$, $\alpha = 0/12$) وجود ندارد. بر اساس مطالعه حاضر زنان دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با زنان دارای سازگاری زناشویی به لحاظ ویژگی سایکوزگرایی متفاوت نمی باشند.
6. بین ویژگی شخصیتی برونگرایی زنان دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = -1/86$, $df = 73$, $\alpha = 0/07$) وجود ندارد. بر اساس مطالعه حاضر زنان دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با زنان دارای سازگاری زناشویی به لحاظ ویژگی برونگرایی متفاوت نمی باشند.
7. بین ویژگی شخصیتی نوروگرایی مردان دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = 3/58$, $df = 75$, $\alpha = 0/000$) وجود دارد. بر اساس مطالعه حاضر مردان دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با مردان دارای سازگاری زناشویی دارای ویژگی نوروگرایی بیشتری هستند.
8. بین ویژگی شخصیتی سایکوزگرایی مردان دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = 3$, $df = 75$, $\alpha = 0/004$) وجود دارد. بر اساس مطالعه حاضر مردان دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با مردان دارای سازگاری زناشویی دارای ویژگی سایکوزگرایی بیشتری هستند.
9. بین ویژگی شخصیتی برونگرایی مردان دارای سازگاری و ناسازگاری زناشویی تفاوت معنی دار ($t = -4/02$, $df = 75$, $\alpha = 0/000$) وجود دارد. بر اساس مطالعه حاضر مردان دارای ناسازگاری زناشویی در مقایسه با مردان دارای سازگاری زناشویی دارای ویژگی برونگرایی کمتری هستند.

4- بحث و نتیجه گیری:

پژوهش حاضر با هدف بررسی اعتبار یافته های مطالعات پیشین در خانواده های ایرانی که زوجین هر دو نفر یا حداقل یکی از آنها دانشجو هستند انجام شده است. همبستگی به دست آمده بین سازگاری زناشویی و هر سه ویژگی نوروگرایی (همبستگی منفی)، سایکوزگرایی (همبستگی منفی) و برونگرایی (همبستگی مثبت) در زوجین مورد مطالعه به عنوان یک گروه معنی دار بود. نتایج مشاهده شده همسو با نتایج مطالعات پیشین می باشد (کارنی و براد بوری، 1997)، مبنی بر اینکه ویژگی های شخصیتی به عنوان عوامل ژنتیک رفتاری همچنان بر سبک زندگی و تعامل بین زوجین تاثیرگذار است.

در بررسی نقش ویژگی های شخصیت و سازگاری زناشویی در زنان و شوهران به عنوان دو گروه جدای از یکدیگر همبستگی های معنی دار پیشین برای مردان همچنان حفظ شد، در حالی که در مورد زنان، همبستگی معنی دار تنها بین ویژگی شخصیتی نوروگرایی و سازگاری زناشویی به دست آمد. یافته کنونی بر این مطلب دلالت دارد که سازگاری زناشویی مردان متاثر از سه ویژگی شخصیتی نوروگرایی، سایکوزگرایی و برونگرایی است، در حالی که سازگاری زناشویی زنان بیشتر از جانب ویژگی شخصیتی نوروگرایی آسیب می بیند.

در تایید یافته های ذکر شده در بخش پیشین، مقایسه نمرات سازگاری و ناسازگاری زناشویی افراد مورد مطالعه بر اساس سه ویژگی شخصیتی نوروگرایی، سایکوزگرایی و برونگرایی در سه گروه زنان و مردان متاهل، زنان متاهل و مردان متاهل، تفاوت های معنی دار به

دست آمد. این یافته ضمن آنکه دلالت بر پایین بودن نمره سازگاری زناشویی در افراد دارای نمره بیشتر در ویژگی شخصتی نوروزگرایی، سایکوزگرایی و نمره کمتر در برونگرایی دارد، با نتایج مطالعات پیشین نیز مطابقت دارد بودند (کرامر، 1993).

در جمع بندی یافته های پژوهش می توان بیان داشت، باوجود آنکه تحلیل های ژنتیک رفتاری، نقش عوامل موثر محیطی نیرومندی را بر روی تفاوت های بین کیفیت زناشویی زوجین مطرح می سازد (اسپاتس و دیگران، 2004)، و نیز اشاره شده است که عوامل محیطی فردی طبعاً با گذشت زمان افزایش می یابند (مک کارتنی و دیگران، 1990)؛ و عوامل موثر محیطی بیشترین نقش را در ایجاد تغییر در شخصیت در طی سالهای بزرگسالی ایفا می کنند (پیدرسن و رینولدز، 2002)، در عین حال به نظر می رسد عوامل ژنتیک در شکل ویژگی های شخصیتی در خانواده های دانشجویی، احتمالاً فارغ از تاثیر عامل محیطی تحصیلات همچنان در تعیین کیفیت سازگاری زناشویی موثر می باشند. البته لازم است صحت احتمالی این برداشت در مطالعات بعدی مورد بررسی دقیقتر قرار گیرد. با توجه به متمرکز بودن این مطالعه بر خانواده های دانشجویی که از جمله محدودیت های آن می باشد استفاده از متغیر های محیطی بیشتر در کنار ویژگی های شخصیتی و به تناسب استفاده از روش های آماری پیچیده تر در تبیین نقش عوامل ژنتیک و محیطی می تواند بیش از پیش روشنگر باشد.

منابع

- بخشی پور رودسری عباس، باقریان خسروشاهی صنم (1875). ویژگی های روانسنجی پرسشنامه تجدیدنظر شده شخصیت (EPQ-RS) آیزنک - فرم کوتاه. *مجله روان شناسی معاصر* 1 (2): 3-12
- سلیمانیان، اکبر (1373). بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی (بر اساس رویکرد شناختی) بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه روان شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- Caspi, A. (1987). Personality in the life course. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53(6), 1203-1213.
- Kelly, E. L., & Conley, J. J. (1987). Personality and compatibility: A prospective analysis of marital stability and marital dissatisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(1), 27-40.
- Nemechek, S., & Olson, K. R. (1996). Personality and marital adjustment. *Psychological Reports*, 78, 26-43.
- Kurdek, L. A. (1998). Developmental changes in marital satisfaction: A 6-year prospective longitudinal study of newlywed couples. In T. N. Bradbury (Ed.), *The developmental course of marital dysfunction* (pp. 180-204). New York: Cambridge University Press.
- Jockin, V., McGue, M., & Lykken, D. T. (1996). Personality and divorce: A genetic analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 96, 288-299.
- Szopinski, J. (1980). Personality and the marriage bond. *Personality and Individual Differences*, 1, 93-94.
- Lester, D., Haig, C., & Monello, R. (1989). Notes and shorter communications: Spouses' personality and marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 10, 253-254.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1997). Neuroticism, marital interaction, and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 1075-1092.
- Cramer, D. (1993). Personality and marital dissolution. *Personality and Individual Differences*, Volume 14, Issue 4.
- McCartney, K., Harris, J. M., & Bernieri, F. (1990). Growing up and growing apart: A developmental meta-analysis of twin studies. *Psychological Bulletin*, 107, 226-237.
- Pedersen, N. L., & Reynolds, C. A. (2002). Erratum: Stability and change in adult personality: genetic and environmental components. *European Journal of Personality*, 16, 77-78.